

واکاوی رویکردها و زمینه‌های نظری و تدوین چارچوب مفهومی منظر شهر*

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۱۸

شب‌نام شاملو* - محمد نقی‌زاده** - فرح حبیب***

چکیده

منظر شهر و ادبیات مربوط به آن که نقش مؤثری در زمینه ارتقای کیفیت محیط در فضاها و عرصه‌های عمومی شهرهای امروزی ایفا می‌نماید، در طی قرن گذشته و در آستانه هزاره سوم به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافته و مورد توجه جدی معماران منظر، طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. در این میان، نظریه‌پردازان گوناگون با رویکردهای متفاوتی این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر به‌منظور ارزیابی و تدقیق نظرات مطرح‌ترین متفکران مرتبط با منظر شهر و تدوین چارچوب مفهومی منظر شهر، به روش مطالعه اسنادی و با استفاده از متون واجد ارزش در این عرصه، ضمن بررسی تعاریف و مفاهیم منظر شهر؛ نوین‌ترین ایده‌ها، نظریه‌پردازان، نظریات و بحث‌های کلیدی و دیدگاه‌های آنان راجع به منظر شهر به همراه بیان مکانیزم طبقه‌بندی و چارچوب گونه‌شناسی رویکردها برای اولین بار در قالب چهار دوره زمانی عمده تدوین شده است. این دوره‌های زمانی که از انقلاب صنعتی تا جنبش منظر شهر (۱۹۶۰)، جنبش منظر شهر تا جنبش نوشهرسازی (۱۹۶۰-۱۹۹۰)، جنبش نوشهرسازی تا جنبش شهرسازی منظر (۱۹۹۰-۱۹۹۷) و جنبش شهرسازی منظر تاکنون (۱۹۹۷-۲۰۱۴) را شامل می‌شوند، به تفکیک در پنج محور زیباشناختی؛ زمینه‌گرایی شامل ادراک فضایی - بصری، ادراک بصری - رفتاری؛ نوشهرسازی، توسعه نوسنتی بافت‌ها و مناطق شهری؛ شهرسازی منظر و شهرسازی اکولوژیکی همراه با مؤلفه‌های رایج در هر دوره ارائه شده است. همچنین در راستای تدوین چارچوب مفهومی و زمینه‌های نظری منظر شهر به واکاوی آرای ۲۳ صاحب‌نظر در عرصه منظر شهر پرداخته و مهم‌ترین ابعاد و شاخص‌های منظر شهر از نظر آنان شناسایی شده است.

واژگان کلیدی: منظر شهر، گونه‌شناسی، جنبش‌های نظری، تکامل تاریخی، چارچوب مفهومی.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده اول، شب‌نام شاملو با عنوان «تبیین و ارائه اصول منظر خیابان در شهر ایرانی» با راهنمایی نویسنده دوم، دکتر محمد نقی‌زاده و مشاوره نویسنده سوم، دکتر فرح حبیب می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات تهران به انجام رسیده است.

** دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: shabnamshamlou@gmail.com

*** استادیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

*** دانشیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

در سال‌های اخیر موضوع منظر شهر و شاخص‌های مربوط به ساماندهی آن به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی مدنظر در سنجش پایداری شهرها محسوب می‌شود و این مفهوم در کنار بحث‌هایی همچون سلامت شهری و کیفیت‌زندگی و زیست‌پذیری شهری به‌عنوان اصولی برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی در مطالعات مؤسسات بین‌المللی بدل شده است. براین‌اساس و با تطور و تکامل زمینه‌ها و تحولات جدید شهرسازی مؤثر از تحولات نظام محیطی و اقتصاد بین‌الملل، نظریات منظر شهر نیز به تأثیر از این رهیافت هم در فرآیند و هم در محتوا دستخوش تغییرات ماهوی شده است. با علم به این موضوع، مقاله حاضر تلاش دارد تا به گونه‌شناسی و واکاوی مهم‌ترین زمینه‌های نظری موجود در این زمینه پرداخته، به مقایسه تطبیقی رویکردهای مربوطه همت گماشته و نیز چارچوبی مفهومی را برای منظر شهر در سال‌های جدید به‌دست دهد. بدین‌ترتیب، بعد از مروری بر تعاریف و ویژگی‌های منظر شهر به تدقیق در پنج رویکرد اصلی موجود در عرصه ادبیات منظر شهر پرداخته شده و به تفکیک به واکاوی صاحب‌نظران هر جنبش مبادرت شده است و در نهایت با تکیه بر یافته‌های نظری مربوطه به ارائه چارچوب مفهومی منظر شهر پرداخته شده است. ضرورت پرداختن به این پژوهش از دو جهت حائز اهمیت فراوان است. از یک سو چارچوب ارتباط و نحوه تعامل پارادایم‌های جدید شهرسازی را با موضوع خاص منظر شهر عیان می‌دارد و از سوی دیگر به روشنی فرآیند دگردیسی و شکل‌گیری جنبش‌های منظر شهر را که ریشه در مراحل پیشین و پسین دارند نشان می‌دهد.

۱. تعاریف و مفاهیم منظر شهر

مفهوم «منظر شهر» را می‌توان در چهار واژه «Urbanscape»، «Urban Landscape»، «Townscape» و «Cityscape» تبیین نمود. «رابرت کوان»^۱ واژه «Townscape» را این‌گونه تعریف نموده است: فرم شهری و ظاهر بصری شهر؛ ظاهر خیابان‌ها، شامل راه و اجزای خیابان که با هم ترکیب شده‌اند و باعث ایجاد یک تفاوت محلی خاص می‌شوند (Cowan, 2005, p. 400). همچنین، «محیط و منظر» به‌صورت واژه‌ای جامع تعریف می‌شود که طبیعت بکر و شهر ساخته شده، هر دو را دربر دارد. حومه شهر «محیط و منظر حومه» است و مرکز شهر «محیط و منظر شهر» را بیان می‌کند (Motloch, 2002, p. 20). شایان ذکر است، مفهوم «منظر شهر» در قالب واژه «Townscape» برای نخستین بار توسط «گردن کالن»^۲ عنوان شد و مفهومی شهری با ذکر پاره‌ای خصوصیات بصری شهرسازانه است. کالن، منظر هر شهری را پاسخی به رفتارهای انسانی، وضعیت آب و هوایی، عوامل ایمنی و به بیان دیگر مداخله‌های ماهرانه در چارچوب افزایش توانایی‌های محیط قلمداد می‌نماید. به عبارتی دیگر، وی برداشت هر شخصی از منظر شهر را متأثر از حس بینایی، حس مکان و محتوای محیطی که فرد در آن قرار می‌گیرد، برمی‌شمرد. در تعریف کالن از منظر شهر، تأکید بر «بخش‌های عینی و ذهنی فرم شهری» است که در بستر فضایی یک «شهر کوچک (شهرک)» متجلی می‌شود. گرچه عمدتاً توجه به منظر شهر پدیده‌ای بصری است اما در عین حال خاطرات را برمی‌انگیزاند، تجارب را یادآوری می‌کند و واکنش‌های احساسی را به وجود می‌آورد (Carmona et al., 2003, p. 134). واژه دیگر، «Urban Landscape» است و بر «منظر زمین در حوزه شهری» و نیز «عینیت کالبد شهر» دلالت می‌نماید. یعنی منظری که با تکیه بر شرایط طبیعی زمین در شهر تعریف شده و با مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بستر تطابق یافته است. و اما درباره واژه «Urbanscape» که توسط «ریچارد مارشال»^۳ عنوان شد، مفهومی است که منظر را به‌عنوان استعاره‌ای برای شرایط شهری معاصر به‌کار می‌برد (Mossop, 2006, p. 165) و نیز واژه «Cityscape» که با همین معنا در برخی متون به‌کار رفته است به‌نظر می‌رسد نزدیک‌ترین واژه فارسی به این اصطلاح، عنوان «منظر عینی - ذهنی شهر» باشد (Faizi, 2010, pp. 36-37).

۲. مروری بر متون و استخراج زمینه‌های نظری منظر شهر

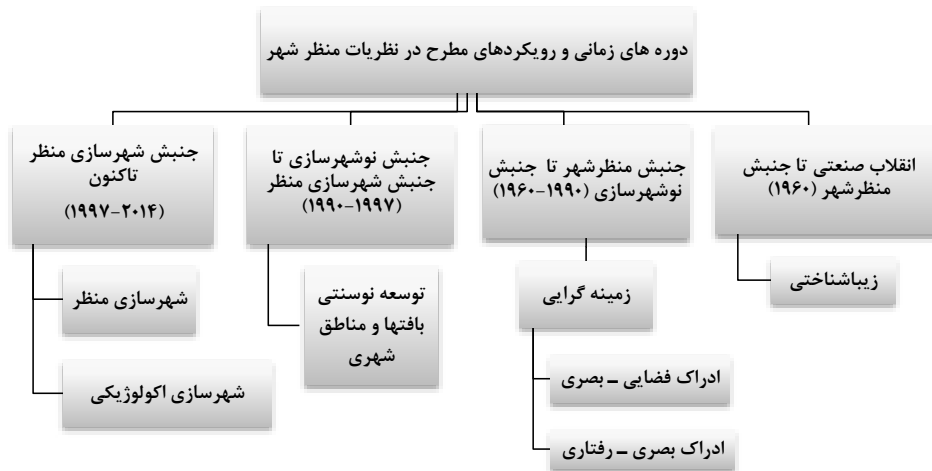
در این بخش از پژوهش حاضر، مهم‌ترین صاحب‌نظران، نظریات و دیدگاه‌های آنان به منظر شهر در قالب چهار دوره زمانی عمده و پنج رویکرد مطرح همراه با مؤلفه‌های رایج در هر دوره دسته‌بندی شده و به تفصیل دوره‌ها و رویکردهای هر دوره به تفکیک مورد مذاقه قرار گرفته است. البته به‌منظور واضح‌تر نمودن این امر ابتدا مکانیزم طبقه‌بندی و چارچوب گونه‌شناسی رویکردها در ذیل تشریح می‌شود.

۱-۲- مکانیزم طبقه‌بندی و چارچوب گونه‌شناسی رویکردها

چهار دوره زمانی و پنج رویکرد مطرح در آن در چارچوب مفهومی منظر شهر عبارتند از انقلاب صنعتی تا «جنبش منظر شهر»^۴ (۱۹۶۰) با رویکرد زیباشناختی؛ جنبش منظر شهر تا «جنبش نوشهرسازی»^۵ (۱۹۶۰-۱۹۹۰) با رویکرد زمینه‌گرایی (ادراک فضایی - بصری و ادراک بصری - رفتاری)؛ جنبش نوشهرسازی تا «جنبش شهرسازی منظر»^۶ (۱۹۹۰-۱۹۹۷) با رویکرد توسعه نوسنتی بافت‌ها و مناطق شهری؛ و در نهایت جنبش شهرسازی منظر تاکنون (۲۰۱۴-۱۹۹۷) با رویکردهای «شهرسازی منظر»^۷ و «شهرسازی اکولوژیکی»^۸. دلایل دسته‌بندی و مکانیزم طبقه‌بندی رویکردهای فوق

را می‌توان در طرح نظریه اولین نظریه‌پرداز جنبش مربوطه از لحاظ زمانی در ابتدای هر دوره و نیز شناسایی مؤلفه‌های مطرح در نظریات اندیشمندان همسو و تأثیرگذار در آن موضوع و در نهایت شکل‌گیری و بالندگی رویکرد مستخرج از نظریات اندیشمندان مذکور جستجو نمود. به‌عنوان مثال «کامیلو زیته»^۹ با‌عنوان نمودن «زیبایی بصری در شهرها» در سال ۱۸۸۹ سبب آغاز رویکرد زیباشناختی در دوره انقلاب صنعتی تا جنبش منظر شهر و مطرح شدن مؤلفه زیباشناختی (عینی) شد. از نظریه‌پردازان صاحب‌نظر در این رویکرد می‌توان به «کامیلو زیته»، «آلدو رسی»^{۱۰} و «راب کریر»^{۱۱} اشاره نمود. سپس با عمومیت یافتن بحث‌های زمینه‌گرایی و خصوصاً «جنبش منظر شهر» توسط «گردن کالن» در سال ۱۹۶۰، دوره جنبش منظر شهر تا جنبش نوشهرسازی با رویکرد زمینه‌گرایی آغاز شد و مؤلفه‌های زیباشناختی (ذهنی-ادراکی) و عملکردی در کنار مؤلفه زیباشناختی (عینی) از دوره قبل مطرح شدند و زیر رویکرد ادراک فضایی-بصری با نظریات صاحب‌نظرانی همچون «گردن کالن»، «کوپن لینچ»^{۱۲}، «دانلد اپلیارد»^{۱۳} و «راجر ترانسیک»^{۱۴} شکل گرفت. پس از آن نیز زیر رویکرد ادراک بصری-رفتاری با فراگیر شدن بحث «چیدمان فضا» توسط «بیل هیلیر»^{۱۵} و «جولین هنسون»^{۱۶} و اضافه شدن مؤلفه علوم رفتاری به مؤلفه‌های قبلی در سال ۱۹۸۴ شکل گرفت. صاحب‌نظران تأثیرگذار در این زیر رویکرد عبارتند از «بیل هیلیر»، «جولین هنسون»، «جان لنگ»^{۱۷}، «فرانسیس تیالدز»^{۱۸} و «یان گل»^{۱۹}. سپس، دوره سوم یعنی دوره جنبش نوشهرسازی تا جنبش شهرسازی منظر با طرح بحث‌های «نوشهرسازی» و پایداری شهری با رویکرد توسعه نوسنتی بافت‌ها و مناطق شهری در سال ۱۹۹۰ آغاز شد و بدین ترتیب مؤلفه زیست‌محیطی به مؤلفه‌های قبلی از دوره‌های پیشین اضافه شد. از صاحب‌نظران موجود در این رویکرد می‌توان به «پیتر کلتورپ»^{۲۰}، «پیتر کتز»^{۲۱}، «آندره دوآنی»^{۲۲} و «الیزابت پلاتر زیبرگ»^{۲۳} اشاره نمود و اکنون در دوره چهارم از گونه‌شناسی تکامل تاریخی منظر شهر، با‌عنوان شدن بحث «شهرسازی منظر» توسط «چارلز والدیهیم»^{۲۴} در سال ۱۹۹۷ شاهد آغاز رویکرد شهرسازی منظر هستیم. رویکردی که در آن منظر و فضای باز به‌عنوان عناصر اصلی ساخت شهر مورد توجه قرار گرفته و مؤلفه چندسطحی، زمینه‌ای و پیچیده به سایر مؤلفه‌های قبلی اضافه شده است. مهم‌ترین صاحب‌نظران این رویکرد عبارتند از «چارلز والدیهیم»، «جیمز کرنر»^{۲۵} و «گونیل لیندهلم»^{۲۶}. و در نهایت رویکرد شهرسازی اکولوژیکی که توسط «محسن مصطفوی» در سال ۲۰۱۰ مطرح شد و مؤلفه چند مقیاسی با بینشی اکولوژیکی به مؤلفه‌های دوره‌های قبل اضافه شد. از صاحب‌نظران این رویکرد می‌توان از «محسن مصطفوی»، «گرت دهرتی»^{۲۷}، «آن ویستن اسپیرن»^{۲۸} و «فردریک استینر»^{۲۹} نام برد. در نمودار ۱ طبقه‌بندی دوره‌های زمانی و چارچوب گونه‌شناسی رویکردها نشان داده شده است و در ادامه گونه‌شناسی تکامل تاریخی، رویکردها، نظریه‌پردازان و مهم‌ترین مفاهیم کلیدی مرتبط با منظر شهر از ۱۹۶۰ تاکنون به انضمام مؤلفه‌های رایج در هر رویکرد ارائه شده است.

نمودار ۱: طبقه‌بندی دوره‌های زمانی و رویکردهای مطرح در نظریات منظر شهر



۲-۲- دوره اول: انقلاب صنعتی تا جنبش منظر شهر (۱۹۶۰)

در بازه زمانی انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، رویکرد زیباشناختی در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی منظر شهر رایج بوده است و نظریه‌پردازانی همچون «کامیلو زیته»، «آلدو رسی» و «راب کریر» نظریاتی را با تأکید بر مؤلفه زیباشناختی عینی که تاکنون نیز این مؤلفه تداوم یافته است، ارائه نمودند که در ذیل به تفصیل به شرح این دوره پرداخته شده است.

۲-۲-۱- رویکرد زیباشناختی

مفهوم منظر شهر در رویکرد زیباشناختی، محدود به مؤلفه زیباشناختی عینی است و بنیان‌های اصلی نظری رویکرد زیباشناختی را می‌توان در نظریات «کامیلو زیته» در کتاب «شهرسازی براساس اصول هنری» در سال ۱۸۸۹ جستجو

نمود. نظریه زینته با عنوان «زیبایی بصری در شهرها» که تأکید بر مؤلفه زیباشناختی عینی دارد و تداوم بصری در حرکت پیاده را مطرح می‌سازد، اساساً به نقش و اهمیت منظر شهر در ارتقای کیفیت فضاها و عرصه‌های عمومی شهرها اشاره دارد و از این‌رو آرایش و تزئین خیابان‌ها را توصیه می‌کند (Sitte, 2006, pp. 1-25). «آلدو رسی» در نظریه خود تحت عنوان «معماری شهر» در کتابی با همین عنوان در سال ۱۹۶۶، شهر را یک اثر هنری و فضا و منظر شهر را به‌عنوان مصنوعات هنری معرفی می‌نماید. تأکید وی بر توجه به جنبه‌های کالبدی و عرصه عمومی شهر است. به اعتقاد وی، شهر باید به‌عنوان چیزی که برای تمام دوران ساخته می‌شود مورد بررسی و ارزش‌گذاری قرار گرفته شود و بناها نیز به‌عنوان یادمان‌های تاریخی که در مقابل گذشت زمان استقامت می‌کنند، در نظر گرفته شوند. وی بر این باور است که منظر موجود شهر باید گذشته‌اش را به یاد آورد (خاطره جمعی) که این خاطرات باید از طریق بناهای یادمانی که ساختار شهر را تشکیل می‌دهند، القاء شود (Rossi, 1982). «راب کریر» بر ایجاد درک سنتی از محیط و منظر شهر تأکید می‌کند و حفظ و احیاء بافت‌های کهن را بسیار لازم می‌داند؛ زیرا به اعتقاد وی این بافت‌ها دارای ارزش هویتی، فرهنگی و معنوی هستند. وی ضمن انتقاد از سازماندهی شهرهای مدرن که به ایجاد فضاهای شهری در مقیاس پیاده بی‌توجه بوده‌اند، راه‌حل را بازگشت به انتظام گذشته شهرها و اصالت‌های دیرین میدان و خیابان می‌داند. در نهایت، نظریه کریر با عنوان «کارآمد شمردن ارزش‌های زیباشناختی در فضای شهری» در کتاب وی تحت عنوان «فضای شهری» در سال ۱۹۷۹، به عناصر و جنبه‌های کالبدی عرصه عمومی شهر و زیباشناختی فضای شهری توجه دارد (Krier, 1996, pp. 15-65).

۲-۳- دوره دوم: جنبش منظر شهر تا جنبش نوشهرسازی (۱۹۶۰ - ۱۹۹۰)

در فاصله بین جنبش منظر شهر و جنبش نوشهرسازی، شاهد رویکردی باعنوان زمینه‌گرایی هستیم. زمینه عبارت است از محیط و مجموعه پیرامونی یک عنصر؛ و تفکر زمینه‌گرایانه، زمینه را رویدادی تاریخی می‌داند که عناصر شهری در درون آن ساخته و شناخته می‌شوند. در رویکرد زمینه‌گرایی، سنت‌ها، ویژگی‌های محلی و بومی و سلیق، علائق، ادراکات و رفتارهای مردم از سوی نظریه‌پردازان مورد توجه قرار گرفته‌اند. رویکرد زمینه‌گرایی با دو زیر محور که عبارتند از رویکرد ادراک فضایی- بصری و رویکرد ادراک بصری- رفتاری در این دوره دسته‌بندی می‌شود.

۱-۲-۳- زمینه‌گرایی با رویکرد ادراک فضایی- بصری

به تدریج مباحث زیباشناسی منظر شهر از جنبه بصری- هنری به جنبه ادراکی- معنایی تغییر جهت داد و عملکردگرایی به‌عنوان میراثی به جای مانده از نهضت معماری و شهرسازی تجددگرا، بر آن افزوده شد. لذا مفهوم منظر شهر در رویکرد ادراک فضایی- بصری، براساس سه مؤلفه زیباشناختی (عینی)، زیباشناختی (ذهنی- ادراکی) و عملکردی در نظر گرفته می‌شود که «جنبش منظر شهر» در جهت‌گیری این رویکرد بسیار مؤثر بوده است. «گردن کالن» نظریه «منظر شهر» را در کتاب «گزیده منظر شهر» در سال ۱۹۶۱ مطرح نموده است. در حقیقت، پیش از این بحث منظر شهر در خلال بحث‌های طراحی شهری وجود داشته ولی بدین اصطلاح شناخته شده نبوده است که با نظریه کالن به‌طور رسمی مطرح شده و وجهه مستقل‌تری به خود می‌گیرد. وی معتقد است طراحی منظر شهر، هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهر را می‌سازند و هنر یکپارچگی برقراری ارتباطات بین اجزای مختلف سازنده کالبد شهر است. وی با توجه به اثرات حسی که منظر شهر می‌تواند بر ساکنین و بازدیدکنندگان شهری داشته باشد، خواستار ایجاد لذت بصری در مقیاس شهر است و با تأکید بر هنر «تناسبات» به دنبال برقراری نظمی معقول میان عناصر محیطی و از آن طریق منظر شهر مطلوب است (Cullen, 2003, pp. 1-28). همچنین، وی بر این باور است که عنصر «زمان» در منظر شهر در قالب «حرکت» و خصوصیات حرکتی فضا مطرح است. بنابراین، طرح اهمیت مسأله «حرکت» در ارزیابی منظر شهر، برای نخستین بار توسط کالن با نظریه «دیدهای متوالی»^۳ از دید حرکت پیاده مورد تأکید قرار گرفت و لزوم توجه به بعد چهارم را در کنار ویژگی‌های سه بعدی فضا خاطرنشان ساخت (Cullen, 2007, pp. 181-184). «کوین لینچ» معتقد است منظر شهر، شهر را به‌عنوان یک «متن» در نظر می‌گیرد که شهروندان باید قادر به «قرائت» آن باشند. لینچ نظریه «سیمای شهر» را در کتابی با همین عنوان در سال ۱۹۶۰ مطرح می‌نماید و در همین راستا به تعریف و تبیین مفهوم «تصویر ذهنی» و تشریح «عوامل خوانایی» شهر پرداخته و این عوامل را به‌صورت راه، لبه، گره، نشانه و محله معرفی می‌کند و معتقد است این عناصر پنجگانه سازنده سیمای شهر هستند و به مدد آنها محیط کالبدی بهتر دیده و نشان داده می‌شوند. لینچ بر این باور است که منظر شهر تأثیر کلی و جامعی است که ناظر به هنگام دیدار و یا زندگی در شهر یا بخشی از آن به‌دست می‌آورد و سیما یا تصویر ذهنی از شهر، طرح‌واره‌ای ارزش‌گذاری شده در ذهن فرد از منظر شهر است (Lynch, 2002, pp. 12-19). «دانلد اپلیارد» در ارتباط با رویکرد ادراک فضایی- بصری، نظریات بدیعی مطرح می‌نماید. به اعتقاد وی، ادراک منظر شهر در حین حرکت نه تنها در مقیاس حرکت پیاده بلکه همچنین در مقیاس حرکت سواره نیز مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعه‌ای که اپلیارد با همکاری کوین لینچ و جان مایر در سال ۱۹۶۳ تحت عنوان پروژه پژوهشی «دید از جاده» انجام داده و اولین تحقیق بصری- تجسمی در مقیاس شهر محسوب می‌شود (Appleyard et al., 1964). اپلیارد در نظریه دیگرش با عنوان «بسط نظریه

سیمای شهر» در سال ۱۹۷۶، اعلام نمود که متغیرهای جدی در طراحی یک شهر می‌باید با کار و حرکت ساکنان، فرم قابل رؤیت محیط و الگوهای جمعیتی گوناگون دارای اهمیت‌اند، در پیوند باشد. اپلیارد به گسترش نظریه ضرورت توجه به جنبه‌های واقعی و مختلف رابطه فرد با محیط زندگی در طراحی محیط پرداخت (Appleyard, 1976, p. 435). «راجر ترانسیک» با مطرح نمودن نظریه «کشف فضاهای گمشده» در کتابی تحت همین عنوان در سال ۱۹۸۶، به نقد تأثیرات نوگرایی در معماری و شهرسازی و ارزش‌های فراموش شده فضاهای شهری سنتی می‌پردازد و بر بهره‌گیری از زمین‌های بلا تکلیف برای شهر تأکید دارد. وی معتقد است، فرآیند توسعه شهری تحت تأثیر دگرگونی‌های دوران نوگرایی، به ساختمان‌ها به مانند «اشیای منزوی» درون یک منظر طبیعی می‌نگرد، نه همچون بخشی از بافتی بزرگتر شامل خیابان‌ها، میدان‌ها و فضاهای زنده. از این رو آن‌چه که در بیشتر بسترهای محیطی امروز ظاهر می‌شود، بیشتر فضاهای شهری «بی‌شکل»^{۳۱} و «ضد فضا»^{۳۲} هستند (Trancik, 1986).

۲-۳-۲- زمینه‌گرایی با رویکرد ادراک بصری- رفتاری

در رویکرد ادراک بصری- رفتاری، به طراحی فضاها و منظر شهر براساس تحلیل رفتارها توجه شده است و چهار مؤلفه زیباشناختی (عینی)، زیباشناختی (ذهنی- ادراکی)، عملکردی و علوم رفتاری در طراحی محیط این رویکرد را شکل می‌دهند. «بیل هیلیر و جولین هنسون» نظریه «چیدمان فضا»^{۳۳} در طراحی شهری را در راستای درک ساختارها و نظام‌های نامرئی و موجود در پس شکل‌ها و پدیده‌های شهرسازی در سال ۱۹۸۴ به منظور پاسخ به نیاز به روشی جامع که بتواند به‌طور مشخص رابطه‌ای مستقیم میان بافت کالبدی کل شهر و فضاهای شهری خصوصاً خیابان و رفتار عابران پیاده ایجاد نماید، در دانشگاه لندن ابداع نمودند (Hillier & Hanson, 1984, pp. 2-5). تحلیل نظریه چیدمان فضایی هیلیر در خیابان براساس چهار عامل: «هم‌پیوندی»^{۳۴}، «وضوح»^{۳۵}، «حرکت طبیعی»^{۳۶} و «اتصال»^{۳۷} صورت می‌گیرد (Hillier, 2007, pp. 1-368). در ادامه بحث پیکره‌بندی فضایی، هیلیر مفهوم «حرکت طبیعی» را مطرح می‌کند که در آن به تأثیر پیکره‌بندی فضایی بر حرکت عابر پیاده در سطح شهر می‌پردازد (Hillier et al., 1993, pp. 30-31). چیدمان فضا عبارت است از به‌کارگیری متغیرهای به‌دست‌آمده از تحلیل پیکره‌بندی فضا در شناخت الگوهای عناصر هندسی مختلف که به‌واسطه ساختمان‌ها و شهرها به وجود آمده‌اند (Hillier, 2004, p. 46). «جان لنگ» از اندیشمندان و نظریه‌پردازان در زمینه رفتارگرایی محسوب می‌شود که در چند دهه اخیر به مطالعه جدی پیرامون تحلیل رفتارها و طراحی فضاهای شهری پرداخته است. لنگ نظریه «نقش علوم رفتاری در طراحی محیط» را در کتاب خود تحت عنوان «آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط» در سال ۱۹۸۷ مطرح می‌نماید. وی بر مفاهیم بنیادین محیط و رفتار انسان، الگوهای فعالیت و محیط ساخته شده و نقش علوم رفتاری در طراحی محیط و منظر شهر تأکید دارد. وی معتقد است استانداردها و معیارهای طراحی و اجراء باید با فرآیندهای رفتاری مرتبط باشد تا برای جامعه، خانواده‌ها و افراد معنی داشته، به آن‌ها نشان دهد که به ارزش‌ها و تجاربشان اهمیت داده می‌شود (Lang, 2004). «فرانسیس تیبالدز» در کتاب «شهرسازی شهروندگرا» در سال ۱۹۹۲ به بررسی شیوه ظهور و القای حس شهرهای کوچک و بزرگ به‌ویژه نواحی مرکزی در نظر استفاده‌کنندگان آن‌ها و بحث در مورد طراحی، نگهداری و مدیریت آن‌ها می‌پردازد. تیبالدز در این کتاب بر تداوم تاریخی و حفظ کیفیات فضایی تأکید داشته و بیان می‌دارد که شهرها و محیط‌های شهری ذاتاً و پیوسته در حال تغییر و تحول هستند. تداوم کیفیت‌های کالبدی که به هماهنگی سیمای شهر می‌انجامد در ایجاد احساس تداوم تاریخی و فرهنگی اثر بسیار دارد. بنابراین، طراحی منظر شهر باید فرآیند مستمری در انطباق کالبد شهر با نیازها و خواست‌های در حال تغییر شهروندان در چارچوب تغییر شرایط اجتماعی- اقتصادی را فراهم کند (Tibbalds, 1992, pp. 90-130). به اعتقاد «یان گل» باید به جنبه انسانی در ارتقای کیفیت عرصه عمومی شهرها توجه بیشتری شود. وی بر این باور است که عرصه‌ها و فضاهای جمعی مطلوب و هماهنگ با فرهنگ، ویژگی‌ها و نیازهای اجتماعی و مناسب با شرایط محیطی، ارزش‌هایی انکارناپذیر در مطلوبیت فضای زندگی شهری امروز به‌شمار می‌آیند. گل در کتاب خود تحت عنوان «فضاهای عمومی و زندگی جمعی» در سال ۲۰۰۲، ویژگی‌های فضای شهری خوب را مطرح می‌نماید که عبارتند از: شهر خوب شهر قدم زدن و مکث کردن است؛ شهر خوب شهر تبادلات اجتماعی و فرهنگی است؛ شهر خوب شهر گفت و شنود، تماشا و تجربه است؛ و شهر خوب شهر سرزنده، متنوع و امن برای حرکت و تکاپو است (Gehl, 2002, pp. 4-5).

۲-۴- دوره سوم: جنبش نوشهرسازی تا جنبش شهرسازی منظر (۱۹۹۰-۱۹۹۷)

در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و ابتدای دهه ۹۰ میلادی، «نوشهرسازی» به‌عنوان جنبشی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری با تأکید بر منظر شهر ظهور یافت که در حقیقت می‌توان آن را واکنش شدیدی علیه الگوی پراکنده‌رویی در توسعه شهری و کاهش کیفیت فضاهای زیست انسان در ایالات متحده آمریکا دانست. «جنبش نوشهرسازی» به‌دنبال تدوین اصول فرم شهری جدیدی مبنی بر مدیریت رشد منطقه‌ای با استفاده از مکانیزم‌هایی از قبیل احیای مراکز شهری، بالا بردن کیفیت و استاندارد زندگی در شهرها با تأکید بر خصوصیات کالبدی سنتی در پی نیل به درس‌هایی از شهرگرایی سنتی برای یافتن راه‌حلی در پاسخ به دغدغه‌های منطقه‌ای و شهری معاصر است و آموزه‌هایی همچون «توسعه واحد همسایگی

سنتی»، «توسعه حمل‌ونقل عمومی محور»، «محافظة از فضاهای باز»، و «ساخت‌وساز سبز» جزء مهم‌ترین اصول پیشنهادی آن‌ها است. به‌زعم برخی از متفکرین، این جنبش در واقع در پی تولید و باز تولید سنت‌هایی همچون «جنبش باغشهر» و «جنبش شهر زیبا» است (Plater-Zyberk & Donnelly, 2010). نوشهرسازان به‌منظور ارائه دیدگاه‌های خویش در قالب یک کلیت تأثیرگذار در سال ۱۹۹۳ نخستین کنگره نوشهرسازی را برگزار کردند. اندک زمانی پس از برگزاری این کنگره در سال ۱۹۹۶، «منشور نوشهرسازی» نیز با هدف طرح مجدد و بازگسترش اصول پیشین تدوین شد (Duany, 2003). ابزاری مؤثر و کارآمد نیز برای ضابطه‌مندسازی و ایجاد فرم‌های شهری منسجم و پیش‌بینی‌پذیر برای اولین بار در جنبش نوشهرسازی شکل گرفت که تحت عنوان «کدهای فرم - بنیاد» شناخته می‌شود و سعی دارد فرم را به‌گونه‌ای روشن و صریح، ضابطه‌مند سازد تا از این طریق بتوان به تجلی کالبدی چشم انداز متصور در فضای مجازی طرح دست یافت (Parolek et al., 2008).

«پیتر کلتورپ» معتقد است در طراحی شهری پایدار، منظر شهر به‌عنوان یک ساختار اجتماعی- فضایی پایدار مطرح می‌شود که پارادایم مکان پایدار در آن نقش بسیار پررنگی دارد. کلتورپ بر این باور است که نقش زیست‌محیطی طراحی شهری پایدار، گاه به‌صورت انطباق غیرفعال با محیط و از طریق کاربرد فناوری‌های متعارف صورت می‌گیرد و در قالب همان منظر شهر پایدار مطرح می‌شود و گاه به‌صورت انطباق فعال با محیط و از طریق کاربرد فناوری‌های پیشرفته و هوشمندسازی شهر در قالب منظر شهر هوشمند تحقق می‌یابد (Calthorpe, 1993). کلتورپ مبتکر الگوی «توسعه حمل‌ونقل عمومی محور» که تحت عنوان «مجموعه‌های مسکونی پیاده» نیز مشهور است، می‌باشد. این الگو در واقع نوعی توسعه متکی بر حمل‌ونقل عمومی، توسط راه آهن سبک است (Caves, 2005). «آندره دوآنی و الیزابت پلاتر زیبرگ» معتقدند که محله، ناحیه و محورهای شهری، عرصه مورد مطالعه نوشهرسازان است. در تعریف آن‌ها، محله‌ها زیرتقسیماتی از شهرند که ترکیبی متعادل از فعالیت‌ها را در خود جای می‌دهند؛ درحالی‌که ناحیه‌های شهری، فعالیت‌های خاص و تخصصی را تأمین می‌کنند. محورها نیز اتصال‌دهنده محله‌ها و ناحیه‌ها بوده و دسترسی آن‌ها را تأمین می‌کنند (Duany & Plater-Zyberk, 2002). همچنین آن‌ها الگوی «توسعه واحد همسایگی سنتی» را مطرح نمودند که این‌گونه توسعه معمولاً به توسعه‌های مسکونی حومه‌ای جدید اطلاق می‌شود و اساس و پایه طراحی در آن‌ها، واحد همسایگی است (Caves, 2005). از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع توسعه، «طراحی با انگاره‌های نو سنتی همراه با خیابان‌های باریک، فضاهای عمومی و تمامی تسهیلات برای عابران پیاده و دوچرخه سواران و غیره» محسوب می‌شود (Boone & Modarres, 2009, p. 233). «پیتر کاتز» در کتاب خود تحت عنوان «نوشهرگرایی» به تبیین و تشریح اصول جنبش نوشهرسازی پرداخته است. وی بر این باور است که نبود یک مرکز شهری واحد و یک مقیاس انسانی، آلودگی هوا، وجود ترافیک در شبکه‌های دسترسی به‌دلیل دوری محل کار از سکونت و جدایی‌گزینی کاربری‌ها، هدر رفتن قسمت اعظمی از سرانه کاربری‌ها به‌منظور تخصیص برای شبکه دسترسی، از جمله مشکلات ایجاد شده و عوامل ناپایداری شهرها و محلات بوده‌اند

(Katz, 1994, pp. 17-26). بدین ترتیب، با توجه به مطالب فوق‌الذکر در رویکرد نوشهرسازی با مطرح شدن مسائل جدی زیست‌محیطی و پارادایم توسعه پایدار، کیفیت منظر شهر به غنی‌ترین حالت خود رسیده و مشتمل بر پنج مؤلفه هنجاری زیباشناختی (عینی)، زیباشناختی (ذهنی- ادراکی)، عملکردی، علوم رفتاری در طراحی محیط و زیست‌محیطی می‌شود. پنج مؤلفه فوق‌الذکر در قالب اصول اساسی نوشهرسازی با منظر شهر ارتباط پیدا می‌کنند که یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های مداخله در بافت‌های شهری و منظر شهر تلقی می‌شود.

۵-۲- دوره چهارم: جنبش شهرسازی منظر تاکنون (۱۹۹۷-۲۰۱۴)

«شهرسازی منظر» نقطه اوج تفکر نوین در معماری منظر شهر محسوب می‌شود و «جنبش شهرسازی منظر» به لحاظ فکری نسبت به نوشهرسازی، جنبشی که جایگزین می‌نماید، همه جانبه‌تر بوده و جنبه معماری منظر آن پررنگ‌تر است. دلیل پیشرفت‌های فوق در اقدامات قبلی جهت مرکزیت بخشیدن به منظر در شهرسازی، آن است که شهرسازی منظر راهبردهای نظری و عملی خود را در مقوله معماری منظر می‌یابد. از یک سو بر سیستم‌های پویای غیرخطی و موقتی و از سوی دیگر بر موافقت‌نامه‌های ساماندهی و طراحی سرزمین حاصل از تفکر در مورد چنین سیستم‌هایی، تأکید می‌ورزد. در جنبش شهرسازی منظر، شاهد ظهور دو رویکرد عمده و مهم هستیم که یکی در تکمیل دیگری پدید آمده است و عبارتند از رویکرد «شهرسازی منظر» و رویکرد «شهرسازی اکولوژیکی» که در ذیل هر یک به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۵-۲- شهرسازی منظر

از اواسط دهه ۹۰ میلادی، جنبش شهرسازی منظر با تفاسیری در مورد چگونگی طراحی و برنامه‌ریزی شهری در قرن بیست و یکم، به‌وجود آمد. شهرسازی منظر از نظریه طراحی در معماری و معماری منظر شکل گرفت که طراحی و اکولوژی با سبک متعالی را با هم ترکیب می‌سازد. منطق اصلی شهرسازی منظر می‌گوید که منظر باید پایه اصلی

ساخت‌وساز برای طراحی شهری باشد و آموزه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای «پان مک‌هارگ»^{۳۸} زیربنای شهرسازی منظر را تشکیل می‌دهد (Steiner, 2011, pp. 333-335). در حقیقت، «منظر» معنای بخش متجلی (عینی) و غیرمتجلی (ذهنی) فرم را در برمی‌گیرد و متضمن تبلور بصری، کارکردی و معنایی عناصر متشکله فضا است (Gray, 2005, p. 44). با مطرح شدن این بحث، شهرسازان منظر به گذر از احجام مجزای معماری به‌عنوان ابزار اولیه ساماندهی شهر می‌اندیشند (Easterling, 2003, p. 154). انطباق، تناسب و انعطاف‌پذیری شاخصه‌های اصلی سیستم‌های موفق می‌باشند، چرا که از طریق قابلیت آن‌ها است که می‌توان به شرایط زمینه‌ای و محیطی مورد تأکید آنها پاسخ داد (Reed, 2006, p. 280). و براساس گفته معمار منظر «ریچارد ولر»^{۳۹}، منظر، خود واسطه‌ای است که تمام تبادلات اکولوژیکی باید از آن عبور کنند (Weller, 2006, p. 44). می‌توان رهبران جنبش شهرسازی منظر را به دو نحله فکری تقسیم نمود. نحله فکری اول، افرادی که در زمینه تألیف آثار مربوط به نظریات شهرسازی منظر فعالیت می‌نمایند و عبارتند از «چارلز والدیهیم»، «جیمز کرنر»، «استان آلن»^{۴۰}، «آلکس وال»^{۴۱} و «گونیلای لینه‌دهلم». نحله فکری دوم، افرادی که توصیفی‌ترین، قابل اجرائی‌ترین و عملی‌ترین مکتوبات را در زمینه شهرسازی منظر عرضه کرده‌اند و عبارتند از «کریس رید»^{۴۲}، «کریستوفر گری»^{۴۳}، «پیتر کنلی»^{۴۴}، «ریچارد ولر» و «جاسیک که»^{۴۵} (Duncan, 2010, pp. 1-2) که به فراخور موضوع این بخش از مقاله حاضر، به تدقیق در آرای برخی از صاحب‌نظران نحله فکری اول پرداخته می‌شود. شهرسازی منظر تا حد زیادی ابداع «چارلز والدیهیم» است که در سال ۱۹۹۶ اصطلاح فوق را به نام خود ثبت کرد. در شهرسازی منظر، منظر به‌عنوان مدلی برای شهرسازی و تأکید مرکزی توسعه شهری به حساب می‌آید و ساختمان‌ها و بقیه زیرساخت‌های اصلی شهر باید در ارتباط با منظر طراحی شوند و در نتیجه منظر جای نقش تاریخی معماری را به‌عنوان بلوک ساختمانی پایه‌ای طراحی شهری می‌گیرد (Waldheim, 2006, p. 11). والدیهیم با ترکیب مبنای اکولوژیکی مک‌هارگ و چشم‌انداز طراحی شهری کرنر، زمینه مشترکی را شناسایی نمود. کتاب «خواننده شهرسازی منظر» با ویرایش والدیهیم در سال ۲۰۰۶، مجموعه‌ای از مقالات برخی از بنیانگذاران و متخصصان عرصه نوظهور شهرسازی منظر است که وی آن را به‌عنوان «بیانیه مرجع» و «زبانی جدید» معرفی می‌نماید (Waldheim, 2006, pp. 11-38). به‌اعتقاد «جیمز کرنر» شهرسازی منظر که در فرآیند اکولوژیکی بنا شده است، به فرم به‌عنوان «حالت صرفاً موقت موضوع در مسیر خود به چیز دیگر تبدیل شدن» می‌نگرد و مهم‌تر این‌که، گرایشی سازنده نسبت به نامعین بودن، بی‌پایانی و درون‌ترکیبی یک رشته مشترک ایجاد می‌نماید. شهرسازی منظر این دو جنبه را تلفیق می‌نماید: درک معمار منظر از نقش جایگزینی، فرسایش، تجزیه و اکولوژی به‌عنوان فرآیندهای شهری و درک طراحی شهری از نیاز به مکان‌های ملموس (Corner, 2006, pp. 21-33). مهم‌ترین ویژگی‌های شهرسازی منظر از نظر کرنر ترکیبی، زمانی، چندسطحی، زمینه‌ای، مقاوم و پیچیده‌بودن این رویکرد است (Faizi & Razzaghiasl, 2008, p. 30). «گونیلای لینه‌دهلم» بر این باور است که شهرسازی منظر جنبشی حرفه‌ای در معنای واقعی کلمه و ظهور پارادایمی نوین و رویکردی واگرا و گسترده است که به بسیاری از جریان‌های معاصر در منظر مرتبط است و دو هدف اصلی افزایش ادراک از شناخت فرآیندهای تغییردهنده بافت شهری و کاربرد خلاقانه دانش و تفکر اکولوژیکی در پروژه‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری را دنبال می‌نماید (Lindholm, 2008, pp. 22-24). وی معتقد است، به هر اندازه که نظرات مک‌هارگ در کتاب معروف او با عنوان «طراحی با طبیعت» توسط عده زیادی از مدرنیست‌های اخیر معماری منظر و برنامه‌ریزی منظر مورد استفاده قرار گرفت، توسط بنیانگذاران جنبش شهرسازی منظر نیز رشد یافت و در واقع، شهرسازی منظر مثالی از عمل برنامه‌ریزی منظر شهر است (Lindholm, 2011, pp. 14-15).

۲-۵-۲- شهرسازی اکولوژیکی

«شهرسازی اکولوژیکی» رویکردی دیگر در زمینه منظر شهر محسوب می‌شود که با محوریت اکولوژیکی به ساماندهی و نظم‌دهی منظر شهر می‌پردازد و منظر شهر را به‌عنوان کانون برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری قلمداد می‌نماید. در این رویکرد روش‌های شهرسازی اکولوژیکی در تشخیص ارزش‌های سازنده روابط میان واقعیت و پروژه‌های فوق، اعمال متقابل بازخوردی است که «هنری لفویر»^{۴۶} از آن به‌عنوان «تبدیل انرژی»^{۴۷} یاد می‌کند. یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های کلیدی شهرسازی اکولوژیکی، شناخت مقیاس و زمینه تأثیرگذاری اکولوژی است که فراتر از قلمروی شهری است به عبارت دیگر شهرسازی اکولوژیکی باید به نظم‌دهی منظر شهر در فراسوی مرزهای قانونی شهری مبادرت نموده و منظر منطقه‌ای که شهر را در بر گرفته است را نیز شامل شود. بنابراین در این بخش به مرور آرای مهم‌ترین صاحب‌نظران شهرسازی اکولوژیکی پرداخته می‌شود. «محسن مصطفوی» و «گرت دهرتی» مفهوم شهرسازی اکولوژیکی را برای انگاشتن رویکردی مطرح نمودند که از ظرفیت ادغام شرایط ذاتی و مغایر بین اکولوژی و شهرسازی برخوردار است. آن‌ها ویژگی‌های شهرسازی اکولوژیکی را این‌گونه عنوان می‌نمایند: «رویکرد بین رشته‌ای» شهرسازی اکولوژیکی است که ابزار سازنده‌تری را برای بررسی چالش‌های رودرویی محیط‌زیست شهری در اختیار طراحان قرار می‌دهد. «چند مقیاسی و زمینه تأثیرگذاری اکولوژی» در شهرسازی اکولوژیکی است که فراتر از قلمروی شهری است. «بعد اخلاقی-زیباشناختی» شهرسازی اکولوژیکی است که به‌وسیله شاخص‌هایی از اکولوژی ذهنی، اجتماعی و زیست‌محیطی تعریف شده است و مستقیماً با تفصیل وجه مشترک، فضای محدود، میان بعد شهری و سیاسی در ارتباط می‌باشد (Mostafavi)

(Doherty, 2010, pp. 17-50). «آن ویستن اسپیرن» معتقد است که شهرسازی اکولوژیکی رویکردی گسترده به طراحی و برنامه‌ریزی شهری است و جنبه‌هایی از جنبش‌های متعدد معاصر به آن مربوط می‌باشند، این جنبش‌ها عبارتند از: طراحی اکولوژیکی، طراحی پایدار، معماری سبز، زیرساخت‌های سبز، شهرسازی منظر، و اکولوژی صنعتی. مفاهیم کلیدی شهرسازی اکولوژیکی عبارتند از: شهرها جزئی از جهان طبیعی‌اند؛ هر شهری بافتی عمیق و مقاوم دارد؛ شهرها زیستگاه هستند؛ شهرها اکوسیستم هستند؛ اکوسیستم‌های شهری متصل و پویا هستند؛ طراحی شهری وسیله‌ای است برای سازگاری انسان (Spirn, 2011, pp. 600-603). «فردریک استینر» بر این باور است که شهرسازی اکولوژیکی استراتژی بالقوه‌ای را جهت گردآوری نظرات مربوط به شهرسازی منظر و اکولوژی شهری ارائه می‌دهد تا قلمروهای جدیدی را خلق نماید که فرآیندهای فرهنگی و طبیعی را منعکس می‌سازند. بنابراین، شهرسازی اکولوژیکی سه مسیر تحقیقاتی احتمالی را پیشنهاد می‌دهد: تکوین و تکامل درک زیباشناختی، درک عمیق‌تر از نقش انسان در اکولوژی و یادگیری متفکرانه از طریق عمل. نظریه طراحی بشرگرایانه می‌تواند نیرویی قدرتمند در چگونگی خلق مکان‌ها باشد. شهرسازی منظر، در تهیه معماران، معماران منظر و طراحان شهری در زمینه چگونگی نگرش به آینده شهرها، موفق عمل کرده است (Steiner, 2011, pp. 336-337).

۳- جمع‌بندی و تدوین چارچوب مفهومی منظر شهر

در پژوهش حاضر، برای اولین بار به واکاوی مهم‌ترین نظریات منظر شهر در طی چهار دوره تاریخی پرداخته شده است که عبارتند از دوره اول؛ انقلاب صنعتی تا جنبش منظر شهر (۱۹۶۰)، دوره دوم؛ جنبش منظر شهر تا جنبش نوشهرسازی (۱۹۶۰-۱۹۹۰)، دوره سوم؛ جنبش نوشهرسازی تا جنبش شهرسازی منظر (۱۹۹۰-۱۹۹۷)، دوره چهارم؛ جنبش شهرسازی منظر تاکنون (۲۰۱۴-۱۹۹۷). براساس چهار دوره تاریخی فوق، پنج رویکرد موجود در زمینه منظر شهر شناسایی شده است که عبارتند از: رویکرد زیباشناختی، رویکرد زمینه‌گرایی (ادراک بصری- رفتاری و ادراک فضایی- بصری)، رویکرد توسعه نوستنی بافت‌ها و مناطق شهری، رویکرد شهرسازی منظر و رویکرد شهرسازی اکولوژیکی. در نمودار ۲ براساس رویکردهای پنج‌گانه تدقیق شده در مطالعه حاضر و تحلیل محتوایی از مفاهیم اصلی مطرح در هر یک از آن‌ها، مؤلفه‌های کلیدی رویکردها براساس چهار سری زمانی مربوطه استخراج شده است. برخی از این مؤلفه‌ها مختص هر یک از رویکردهای مربوطه بوده و برخی دیگر نیز به فراخور محتوای رویکرد مربوطه دارای اشتراکات می‌باشند. ستون مربوط به دوره زمانی میزان تداوم رویکردها و مؤلفه‌های مربوط به هر یک از آن‌ها را بر طبق چهار سری زمانی نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال مؤلفه زیباشناختی از آغاز تاکنون (۲۰۱۴) دوام و قوام داشته است.

نمودار ۲: مؤلفه‌های هنجاری در دوره‌های زمانی و رویکردهای مطرح منظر شهر

رویکردها	مؤلفه های هنجاری	دوره های زمانی			
		۱۹۶۰- انقلاب صنعتی	۱۹۹۰	۱۹۹۷	۲۰۱۴
زیباشناختی	زیباشناختی (عینی)				
	زمینه گرایی - ادراک فضایی - بصری	زیباشناختی (عینی)			
زیباشناختی (ذهنی - ادراکی)					
عملکردی					
نوشهرسازی	زیباشناختی (عینی)				
	زیباشناختی (ذهنی - ادراکی)				
	علوم رفتاری در طراحی محیط زیست محیطی				
شهرسازی منظر	زیباشناختی (عینی)				
	زیباشناختی (ذهنی - ادراکی)				
	علوم رفتاری در طراحی محیط زیست محیطی ترکیبی و چند سطحی				
شهرسازی اکولوژیکی	زیباشناختی (عینی)				
	زیباشناختی (ذهنی - ادراکی)				
	علوم رفتاری در طراحی محیط زیست محیطی ترکیبی و چند سطحی چندمقیاسی یا بینشی اکولوژیکی				

همچنین در راستای تدوین چارچوب مفهومی و زمینه‌های نظری منظر شهر به واکاوی آرای ۲۳ صاحب‌نظر در عرصه منظر شهر پرداخته و مهم‌ترین ابعاد و شاخص‌های منظر شهر از نظر آنان شناسایی شده است. در رویکرد زیباشناسی آرای سه نظریه‌پرداز، در رویکرد زمینه‌گرایی نه نظریه‌پرداز، در رویکرد توسعه‌نوستنی بافت‌ها و مناطق شهری چهار نظریه‌پرداز، در رویکرد شهرسازی منظر سه نظریه‌پرداز و در نهایت در رویکرد شهرسازی اکولوژیکی آرای چهار نظریه‌پرداز مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، در جدول ۱ به جمع‌بندی و گونه‌شناسی نهایی و تدوین چارچوب مفهومی منظر شهر پرداخته و به تفصیل جمع‌بندی زمینه‌های نظری فوق ارائه شده است.

جدول ۱: جمع‌بندی و گونه‌شناسی نهایی و تدوین چارچوب مفهومی منظر شهر

دوره زمانی	رویکرد مطرح	نظریه‌پردازان	سال	عنوان نظریه	مفاهیم کلیدی
دوره اول: انقلاب صنعتی تا جنبش منظرشهر (۱۹۶۰)	زیباشناختی	کامیلو زیته	۱۸۸۹	زیبایی بصری در شهرها	• تأکید بر مؤلفه زیباشناختی عینی
		آلدو رسی	۱۹۶۶	معماری شهر	• شهر به‌عنوان یک اثر هنری
		راب کریبر	۱۹۷۹	زیباشناختی فضای شهری	• توجه به ارزش‌های زیباشناختی در فضای شهری
دوره دوم: جنبش منظرشهر تا جنبش نوشهرسازی (۱۹۶۰-۱۹۹۰)	ادراک فضایی-بصری	گردن کالن	۱۹۶۱	منظر شهر	• یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به شهر • تأکید بر عنصر «زمان» در منظر شهر در قالب «حرکت» • توجه به «دیدهای متوالی» عابر پیاده در طراحی منظرشهری
		کوبین لینچ	۱۹۶۰	سیمای شهر	• عناصر پنجگانه سازنده سیمای شهر (راه، لبه، گره، نشانه و محله)
		داندل اپلیارد	۱۹۶۴	دید از جاده	• تأکید بر تأثیرات ادراکی و بصری محیط در حرکت سواره
		راجر ترانسیک	۱۹۸۶	کشف فضاهای گمشده	• توجه به جنبه‌های واقعی رابطه فرد با محیط در طراحی محیط
		بیل هیلیر جولین هنسون	۱۹۸۴	چیدمان فضا	• بهره‌گیری از زمین‌های بلا تکلیف برای شهر و بهبود منظر شهر
	ادراک بصری-رفتاری	جان لنگ	۱۹۸۷	علوم رفتاری در طراحی محیط	• پیکره‌بندی فضایی • همپیوندی، وضوح، حرکت طبیعی و اتصال • تأثیر پیکره‌بندی فضایی بر حرکت عابر پیاده در سطح شهر
		فرانسیس تیبالدز	۱۹۹۲	شهرسازی شهروندگرا	• نقش علوم رفتاری در طراحی محیط و منظر شهر
		یان گل	۲۰۰۲	مقیاس انسانی فضاهای عمومی	• تداوم تاریخی و حفظ کیفیات فضایی
					• فضای قدم‌زنی و مکث • تبادلات اجتماعی و فرهنگی • فضاهای گفت و شنود و تماشا • فضاهای سرزنده، متنوع و امن
					• کاربرد مفاهیم اکولوژیکی در طراحی منظر شهر • ساختار سنتی محلات • پایداری • کاربری مختلط • کیفیت زندگی

<ul style="list-style-type: none"> • تمرکز بر روابط میان فرم مصنوع و طبیعی با تأکید بر فضاهای باز و رها شده در شهر • ادغام طراحی شهری، اکولوژی، زیرساخت‌ها، معماری و معماری منظر (ترکیبی) • توجه به طراحی برای تغییر و در نظر گرفتن فرم به‌عنوان حالتی از موضوع (زمانی) • پرداختن به کاربرد فرآیندها به جای فرم‌ها به‌عنوان پایه طراحی (چندسطحی) • تأکید بر مفهوم ترسیم بر اساس اکولوژی، اقلیم و فرهنگ در یک پروژه (زمینه‌ای) • در نظر داشتن کاربرد ویژگی‌های محلی برای تطابق با فرآیندهای جهانی (مقاوم) • چندوجهی (پیچیده) 	<p>منظر و فضای باز به‌عنوان عناصر اصلی ساخت شهر و چارچوبی چندسطحی، زمینه‌ای و پیچیده</p>	۱۹۹۷	<p>چارلز والدیهیم جیمز کرنر گونویلا لیندهلم</p>	شهرسازی منظر	دوره چهارم: جنبش شهرسازی منظر تاکنون (۱۹۹۷-۲۰۱۴)
<ul style="list-style-type: none"> • به‌کارگیری ترکیبی از تکنیک‌های قدیمی و جدید و ارائه ابزاری سازنده به طراحان برای بررسی چالش‌های رو در روی محیط زیست شهری (بین رشته‌ای) • شناخت مقیاس و زمینه تأثیرگذاری اکولوژی با رویکردی منطقه‌ای و کل‌نگرانه (چند مقیاسی) • ارائه یک استراتژی بالقوه جهت گردآوری نظرات مربوط به شهرسازی منظر و اکولوژی شهری جهت خلق قلمروهای جدید (استراتژیک) • تکوین و تکامل درک زیباشناختی (زیباشناسانه) • نقش انسان در اکولوژی و یادگیری متفکرانه از طریق عمل، توجه به پایداری، بازسازی، ارتجاع‌پذیری و خدمات اکوسیستمی (بشر‌گرایانه) 	<p>شهرسازی بوم‌شناسی با چارچوبی بین رشته‌ای، چندمقیاسی، راهبردی، زیباشناسانه و بشر‌گرایانه</p>	۲۰۱۰	<p>محسن مصطفوی گرت دهرتی آن ویستن اسپیرن فردریک استینر</p>	شهرسازی بوم‌شناسی	

پی‌نوشت

1. Robert Cowan
2. Gordon Cullen
3. Richard Marshall
4. Townscape Movement
5. New Urbanism Movement
6. Landscape Urbanism Movement
7. Landscape Urbanism
8. Ecological Urbanism
9. Camillo Sitte
10. Aldo Rossi
11. Rob Krier
12. Kevin Lynch
13. Donald Appleyard
14. Roger Trancik
15. Bill Hillier
16. Julienne Hanson
17. Jon T. Lang
18. Francis Tibbalds
19. Jan Gehl
20. Peter Caltorpe
21. Peter Katz
22. Andres Duany
23. Elizabeth Plater-Zyberk

24. Charles Waldheim
25. James Corner
26. Gunilla Lindholm
27. Gareth Doherty
28. Anne Whiston Spirn
29. Frederick Steiner
30. Serial Vision
31. Unshape
32. Anti-Space
33. Space Syntax
34. Integration
35. Intelligibility
36. Natural Movement
37. Conectivity
38. Ian L.McHarg
39. Richard Weller
40. Stan Allen
41. Alex Wall
42. Chris Reed
43. Christopher Gray
44. Peter Connolly
45. Jusick Koh
46. Henri Lefebvre
47. Transduction

References

- Appleyard, D. (1976). *Planning a Pluralistic City*. Cambridge: The MIT Press.
- Appleyard, D., Lynch, K., & Myer J.R. (1964). *The View from the Road*. Cambridge: The MIT Press.
- Boone, Ch., & Modarres, A. (2009). *City and Environment*. (M. Tabibian, Trans.). Tehran: Tehran University Co.
- Calthorpe, P. (1993). *The Next American Metropolis*. New York: Princeton Architectural Press.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places-Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. London: Architectural Press.
- Caves, Roger W. (2005). *Encyclopedia of the City*. New York: Routledge.
- Corner, J. (2006). *Terra Fluxus*. The Landscape Urbanism Reader, Charles Waldheim, (Ed); New York: Princeton Architectural Press, 21-33.
- Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. Wiltshire: Streetwise Press.
- Cullen, G. (2003). *The Concise Townscape*. (M. Tabibian, Trans.). Tehran: Tehran University Co.
- Cullen, G. (2007). *Townscape: Introduction*. Urban Design Reader, Matthew Carmona and Steve Tiesdell, (Ed); Oxford: Architectural Press.
- Duany, A. (2003). *Neighborhood Design in Practice*. Urban Villages and the Making of Communities, Peter Neal (Ed); London: Spon Press.
- Duany, A., & Plater-Zyberk, E. (2002). *The Lexicon of New Urbanism*. Version 3.2, Miami: DPZ & Co.
- Duncan, A. (2010). *Landscape Urbanism: An Annotated Bibliography*. Unpublished Dissertation, PhD Candidate, Toulan School of Urban Studies and Planning, Portland State University, 1-2.
- Easterling, K. (2003). *Error in Landscape Urbanism*. A Manual for the Machinic Landscape, M. Mostafavi and C. Najle (Eds); London: Architectural Association, 154.
- Faizi, M. (2010). Urbanscape, Comparative Study of Three Concepts in the City. *Manzar*, 2(9), 36-37.
- Faizi, M., & Razzaghiasl, S. (2008). *Landscape Urbanism: A New Approach in Landscape Architecture & Urban Design*.
- Gehl, J. (2002). *Public Spaces and Public Life*. Adelaide: Adelaide City Council Press.
- Gray, C. (2005). *From Emergence to Divergence: Modes of Landscape Urbanism*. Unpublished Master Thesis, University of Edinburgh.
- Hillier, B. (2004). Designing Safer Streets: An Evidence-Based Approach. *Planning in London*, 48, 45-49.
- Hillier, B. (2007). *Space is the Machine, A Configurational Theory of Architecture*. Space Syntax.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The Social Logic of Space*. New York: Cambridge University Press.
- Hillier, B., Penn, A., Hanson, J., Grajewski, T., & Xu, J. (1993). Natural Movement: Or, Configuration and Attraction in Urban Pedestrian Movement. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 20, 29-66.
- Katz, P. (1994). *The New Urbanism: Toward an Architecture of Community*. New York: McGraw-Hill Professional.
- Krier, R. (1996). *Stadtraum in Theorie und Praxis*. (Kh. Hasheminejad, Trans.). Tehran: Jahad Daneshgahi Co.
- Lang, J. (2004). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. (A. Einifar, Trans.). Tehran: Tehran University Co.
- Lindholm, G. (2008). *Landscape Urbanism – Large-Scale Architecture, Ecological Urban Planning or a Design-erly Research Policy*. Accepted Paper for NAAR Annual Symposium, Gothenburg.
- Lindholm, G. (2011). Visible gestures: On Urban Landscape Perspectives in Planning. *Planning Theory*, 11(1), 5-19.
- Lynch, K. (2002). *The Image of the City*. (M. Mozayeni, Trans.). Tehran: Tehran University Co.
- Mossop, E. (2006). *Landscape of Infrastructure*. The Landscape Urbanism Reader, Charles Waldheim, (Ed); New York: Princeton Architectural Press.
- Mostafavi, M., & Doherty, G. (Eds), (2010). *Ecological Urbanism*. Basel: Lars Müller Publishers, 17-50.
- Motloch, J. (2002). *Introduction to Landscape Design*. Tehran: Parks & Green Space Organization of Tehran.
- Parolek, D., Parolek, K., & Crawford, P. (2008). *Form-Based CODES: a Guide for Planners, Urban Designers, Municipalities, and Developers*. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons, Inc.
- Plater-Zyberk, E., & Donnelly B. (2010). *New Urbanism*. Encyclopedia of Urban Studies, Ray Hutchison, (Ed); Sage Publication.
- Reed, C. (2006). *Public Works Practice*. The Landscape Urbanism Reader, Charles Waldheim, (Ed), New York: Princeton Architectural Press, 280.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*. Cambridge: The MIT Press.
- Sitte, C. (2006). *City Planning According to Artistic Principles*. (F. Gharib, Trans.). Tehran: Tehran University Co.

- Spirm, A.W. (2011). *Ecological Urbanism*. Companion to Urban Design, Tridib Banerjee and Anastasia Loukaitou-Sideris (Ed); UK: Taylor & Francis e-Library.
- Steiner, F. (2011). Landscape Ecological Urbanism: Origins and Trajectories. *Landscape and Urban Planning*, 100(4), 333-337.
- Tibbalds, F. (1992). *Making People-Friendly Towns: Improving the Public Environment in Towns and Cities*. Spon Press.
- Trancik, R. (1986). *Finding Lost Spaces: Theories of Urban Design*. New York: Van Nostrand Reinhold Co.
- Waldheim, Ch. (2006). *Landscape as Urbanism*. The Landscape Urbanism Reader, Charles Waldheim, (Ed); New York: Princeton Architectural Press, 38.
- Weller, R. (2006). *An Art of Instrumentality: Thinking Through Landscape Urbanism*. The Landscape Urbanism Reader, Charles Waldheim, (Ed); New York: Princeton Architectural Press, 44.